

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی
سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳

بررسی ابعاد فعالیت فرقه های معنویت گرای فعال اصفهان (بهائیت و تصوف)

علی هاشمیان فر*
مریم حایک**

چکیده

بهائیت و تصوف با قدمت چند صد ساله از فرقه های فعال استان اصفهان هستند. تلاش های رو به گسترش این دو فرقه در سطح استان اصفهان به لحاظ نقشی که در تجزیه مذهبی و تضعیف انسجام نظام اجتماعی ایران ایفا می کنند، اهمیت شناخت بیش از پیش این فرقه ها را نشان می دهد. بررسی فعالیت فرقه های معنویت گرای فعال شهر اصفهان، هدف اصلی این پژوهش به شمار می آید.

جامعه آماری مورد مطالعه بهائیان ساکن شهر اصفهان و صوفیان سلسله نعمت اللّهی گنابادی اصفهان هستند و روش تحقیق در جمع آوری اطلاعات «مصاحبه عمیق اقتناعی» است. در این روش با توجه به نیاز به ارائه اطلاعات واقعی از سوی مصاحبه شونده، مصاحبه ها به صورت نیمه باز انجام شده است.

یافته های پژوهش، بیان گر آن است که همه فعالیت های دو فرقه بهائیت و تصوف سلسله نعمت اللّهی گنابادی در اصفهان با محوریت چهار عامل «تکلیف گریزی»، «ناآگاهی و خردگریزی»، «به انحراف کشیده شدن باور مهدویت» و «نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی» انجام می شود.

واژگان کلیدی

دین، فرقه، فرقه های معنویت گرا، بهائیت، تصوف.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه (نویسنده مسئول) (ma_hayek@yahoo.com).

مقدمه

پیدایش فرقه‌های متعدد دینی در عصر ما به عنوان یک مسئله اجتماعی در حوزه دین مطرح است. آگاهی از مبانی اعتقادی فرقه‌های مسلمان یا فرقه‌هایی که در دامن جامعه اسلامی به وجود آمده‌اند، به لحاظ نقشی که در تجزیه مذهبی و تضعیف انسجام نظام اجتماعی ایران ایفا می‌کنند، اهمیت بسیاری دارد.

بر اساس گزارش معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان اصفهان در اسفند سال ۸۹ و نتایج آسیب‌شناسی اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان در شهرستان‌های استان مبنی بر فعالیت فرقه‌ها، در حال حاضر بهائیت و صوفیه (شاخه سلسله نعمت‌اللّٰهی گنابادی) با قدمت چند صد ساله در منطقه اصفهان، فرقه‌های فعال در استان اصفهان و به‌ویژه شهر اصفهان به شمار می‌روند.^۱

در این نوشتار، به بررسی فرقه‌های یادشده می‌پردازیم و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که در حال حاضر، فعالیت فرقه‌های معنویت‌گرای فعال شهر اصفهان (بهائیت و تصوف - سلسله نعمت‌اللّٰهی گنابادی) چگونه است؟

مبانی نظری

الف) دین

دین در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷: ۴۳)، مذهب، ورع، پاداش (عمید، ۱۳۶۹: ۶۷۳)، انقیاد، خضوع، پیروی و تسلیم است (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹۳) و در اصطلاح، عبارت است از احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء الطبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا، و انجام مناسک عبادی برای کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (حکمت، ۱۳۳۹: ۳).

دین به دلیل در برداشتن ارزش‌هایی که زیرساخت سیستم‌های الزام اجتماعی هستند، پیوستگی‌های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت آنان کمک می‌کند، ازدیاد می‌بخشد. دین توافق گسترده‌ای را در سطح جامعه تضمین می‌کند و نیز ارزش‌های اجتماعی

۱. گزارش معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان اصفهان و آسیب‌شناسی اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان، سال ۱۳۸۹.

را حفظ می‌کند. دین می‌تواند دارای عملکردهای دیگری نیز باشد، بدان معنا که اگر دینی در بین همه یا بیشتر اعضای جامعه مشترک نباشد، ممکن است به عاملی برای از هم گسیختگی و حتی به نیرویی مخرب تبدیل شود (جلالی مقدم، ۱۳۷۹: ۴۳).

ب) فرقه

تعریف دقیق واژه فرقه از دیدگاه جامعه‌شناسی از مقاله‌ای به دست می‌آید که اولین بار به وسیله ماکس وبر در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۵ منتشر شد. ماکس وبر فرقه را به عنوان توده و گروهی کوچک که هدف آن سرزنش حکم فرمایی جهان است و رهبرانش در پی یافتن اعضای خامی هستند توصیف کرد. بینگر نیز فرقه را به عنوان گروهی ساده و پویا معرفی می‌کند که اعتقادات مشترک دارند (کافی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱).

در بهترین صورت، فرقه با ارائه تعریفی از «روابط فرقه‌ای» تعریف می‌شود. روابط فرقه‌ای عبارت از روابطی است که در آن یک فرد، آگاهانه و خودانتصابی افراد دیگر را با استفاده از روش‌های خاصی وادار می‌کند که به طور نسبتاً کامل تقریباً درباره همه تصمیمات مهم زندگی شان به او وابسته باشند و به این پیروان عقیدتی القا می‌نماید که او به دلیل برخورداری از استعداد و نبوغ ویژه، دارای مأموریتی ویژه (حل معضلات بشری) است. ویژگی مشترک همه فرقه‌ها، وجود سه محور نقش رهبر و سرمنشأ گروه، ساختار یا روابط بین رهبر و پیروان، و برنامه هماهنگ شده مجاب کردن است (تالر سینگر، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۳).

ج) فرقه‌های معنویت‌گرا

صفت معنویت‌گرا برای فرقه‌ها و جریان‌های اجتماعی بیان‌گر تمرکز آن‌ها بر امور ماورایی است که طیف گسترده‌ای از باورها و گرایش‌ها را دربر می‌گیرد. این فرقه‌ها و جریان‌ها قرائتی را از اصول روشن ادیان الهی ارائه می‌دهند که نسبت به اصول روشن آن ادیان تردیدبرانگیز یا متعارض است؛ در حالی که هر دین اعتقاداتی را به پیروانش پیشنهاد می‌کند، فرقه‌ها و جریان‌های معنوی صرفاً به ماورای ماده توجه نشان می‌دهند. از این رو هر جنبش دینی ناگزیر معنوی است، ولی هر جنبش معنوی لزوماً دینی نیست (مظاهری سیف، ۱۳۸۹).

فرقه بهائیت

شکل‌گیری بابیت

«سیدعلی محمد باب» بنیان‌گذار فرقه بابی در سال ۱۲۳۵ قمری در شیراز به دنیا آمد. وی

مدتی در محضر درس شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شاگردی کرد (ایلیایی، ۱۳۸۲: ۹) و پس از مدتی به پیروی از اندیشه‌های شیخیه، خود را رکن چهارم یا قریه ظاهره معرفی نمود و سپس خود را باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱: ۹۷).

سید علی محمد در اواخر سال ۱۲۶۴ ادعای بابیت را به قائمیت بدل کرد. در اثر این ادعاها سید علی محمد تحت تعقیب حکومت بوشهر قرار گرفت و پس از دستگیری، در حضور علما و امام جمعه شیراز در مسجد وکیل، دعاوی خود را انکار نمود. مدتی بعد سید علی محمد ادعای پیامبری و سپس ادعای خدایی کرد. در اثر ابراز عقاید باطل علی محمد، علما تصمیم گرفتند حکم به اعدام او دهند، ولی با دیدن نوشته‌ها و رفتار جنون‌آمیز او به علت شبهه جنون، رأی به اعدام وی ندادند. سرانجام به دلیل آن که هر روز اغتشاشات و درگیری‌ها در بین شیعیان و بابیان بالامی گرفت و منجر به کشته شدن جمع زیادی می‌شد، امیرکبیر برای رفع این غائله تصمیم به اعدام سید علی محمد باب گرفت و در سال ۱۲۶۶ در کنار خندق تبریز او را تیرباران کردند (ایلیایی، ۱۳۸۲: ۱۳-۲۷).

پیدایش بهائیت

میرزا حسین علی و میرزا یحیی دو برادر و از مریدان باب بودند. باب یک سال پیش از اعدامش، میرزایحیی نوری ملقب به «صبح ازل» را به جانشینی برگزید. پس از اعدام باب، عموم بابیان، میرزا یحیی را جانشین باب شناخته و از او اطاعت می‌کردند، ولی پس از گذشت چندین سال، میرزا حسین علی ادعا کرد که «من یظهره الله» که باب در کتاب بیان خبر از ظهور او داده اوست. میرزا حسین علی نسبت به میرزایحیی پیروان بیشتری یافت، به حدی که از آن مقطع عمده بابیان به بهایی - که لقب میرزا حسین علی بود - شناخته شدند. میرزا حسین علی نوری در ذیقعه ۱۳۰۹ قمری در سن ۷۷ سالگی در اثر ابتلا به بیماری اسهال خونی وفات یافت (مشتاقی، ۱۳۸۹: ۳۹۹ - ۴۲۳).

فرقه تصوف

شکل‌گیری تصوف اسلامی

در دوران خلفای بنی‌امیه، بنی مروان و بنی عباس معنویت و ایمان از دربار خلافت اسلامی رخت برپست. این مسئله برای لایه‌ای از اجتماع اسلامی موجد نوعی نفرت و انزجار شد تا جایی که آن‌ها ناگزیر از ترک تعامل با دربار خلافت شدند. اما این لایه از سویی نه می‌خواست و نه

می‌توانست به ادیان غیراسلامی رجوع کند و از سویی دیگر، در درون اجتماع اسلامی نیز کانونی موجه برای مراجعه خود بدان جا نمی‌دید. کانون اهل بیت علیهم‌السلام نیز نمی‌توانست برای این لایه موجه باشد؛ زیرا از سویی تبلیغات گسترده حکومتی علیه این کانون، به اندازه‌ای صورت گرفته بود که بسیاری از مردم، اعتقاد خود را به مشروعیت و مقبولیت این کانون از دست داده بودند، و از سویی فشار حاکمیت بر این کانون به اندازه‌ای بود که حتی اگر هم کانون مذکور را موجه می‌پنداشتند، به دلیل بهای سنگینی که در ازای ارتباط با آن باید می‌پرداختند، به پناه گرفتن در سایه آن حاضر نمی‌شدند.

در شرایطی که نه امکانی برای رجوع به دینی غیر از اسلام و نه ایمان و امکانی برای رجوع به کانون اهل بیت علیهم‌السلام وجود داشت، کم‌هزینه‌ترین راه، اختیار انزوا و کناره‌گیری از تعاملات سیاسی و اجتماعی بود؛ زیرا خلفا به‌رغم همه فساداتی که داشتند در مرکزیت جامعه اسلامی تسنن بودند، در چنین شرایطی قطع رابطه با دربار، به معنای بریدن از اجتماع بوده که نتیجه‌ای جز عزلت‌نشینی و شکل‌گیری تصوف اسلامی نداشت (ره‌دار، ۱۳۹۰: ۴-۶).

عقاید مطرح در تصوف

به نظر بسیاری از صوفیه، تصوف عبارت است از عصاره و باطن قرآن و احادیث پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نتیجه کشف و شهودی است که از راه تزکیه و تصفیه نفس و باطن به انسان دست می‌دهد.

از عمده‌ترین ویژگی‌های تصوف، مسئله عشق به خدا و معرفت به اوست. تأمل در باب آثار خدا، نوعی شیفتگی به نام عشق به وجود می‌آورد که حد آن بی‌انتهاست. در چنین دیدگاهی، بشریت از نظر عرفانی در یک سطح قرار گرفته، اختلافات طبقاتی تا حدی نفی می‌شود؛ دشمنی‌ها و کدورت‌ها ناچیز جلوه می‌نماید؛ عارف به حوادث روزگار از روی رضا و خشنودی می‌نگرد و جنگ و جدال خلق را ناشی از نادانی آن‌ها می‌شمرد. صوفی معتقد است به جای جدال با این و آن قبل از هر چیز با دشمن نفس هم‌خانه است. جهاد اعظم از نظر صوفی جهاد با نفس سرکش است که هر چه با آن بیشتر مسامحت کند دشمنی افزون نماید (مؤمن، ۱۳۵۷: ۹۱).

آموزه‌های تصوف

از جمله مهم‌ترین آموزه‌های مطرح در تصوف تقوا و صیانت نفس به صورت ضعف و سستی

است. براساس این آموزه، انسان برای حفظ خود از لغزش، باید خود را از محیط لغزنده دور کند. اگرچه اخلاق عارفانه بر محور مجاهده با نفس است، اما صوفیان با نام مبارزه با نفس، چیزی را که در اسلام به معنای کرامت نفس آمده و به حفظ آن توصیه شده نادیده می‌گیرند. آنان به فقر و قناعت توجه خاصی دارند و در این معنا نوعی بی‌نیازی همراه با وارستگی مطرح می‌شود. در تصوف، علم و عقل تحقیر شده است. صوفیه عقل و هوش را دشمن انسان دانسته و به این معنا که آسایش را از انسان سلب می‌کند به آن انتقاد می‌کنند. برون‌گرایی، جامعه‌گرایی و توجه به اجتماع نیز در اندیشه‌های صوفیه بسیار ناچیز است. خلوت‌نشینی‌ها، سکوت‌ها، سلام نکردن در هنگام وارد شدن به مجلس، غرق در فکر و ذکر شدن، سماع کردن، و استماع موسیقی، همه در راستای بریدن از بیرون و بی‌خبری از عالم واقع و جامعه است (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۲۱ - ۲۳۰).

سماع یا رقص صوفیانه از دیگر آموزه‌های تصوف است که به صورت جمعی یا فردی صورت می‌گیرد. عده‌ای از صوفیه قائل هستند که با پوشش خاصی که در هنگام سماع دارند از یک سو، و حالتی که به بدن شکل می‌دهند از سوی دیگر، سبب می‌شوند انرژی کائنات را گرفته و برای تعمیق ایمان به یکدیگر منتقل می‌کنند (دریاکناری، بی‌تا).

فرقه نعمت‌اللّهی گنابادی

فرقه نعمت‌اللّهی سلطان علی‌شاهی یا نعمت‌اللّهی گنابادی در میان سلسله‌های رایج تصوف در ایران، از سلسله‌های دارای نفوذ است. براساس اطلاعات معاونت فرهنگی اجتماعی نیروی انتظامی استان اصفهان، از شاخه‌های مختلف فرقه تصوف در شهر اصفهان، در حال حاضر شاخه سلسله نعمت‌اللّهی گنابادی بیشترین فعالیت را دارد.

این فرقه را سلطان محمد بیچاره گنابادی در سال ۱۲۹۴ قمری تأسیس کرد. عقاید وی سبب شد آیت‌الله آخوند خراسانی وی را مرتد اعلام نماید. وی در سال ۱۳۲۷ قمری توسط عده‌ای از شیعیان در بیدخت گناباد به قتل رسید و قطبیت در خاندان وی موروثی شد. پس از وی به ترتیب حاج ملاعلی (نورعلی شاه ثانی)، محمدحسن بیچاره (صالح‌علی شاه)، سلطان حسین تابنده (رضاعلی شاه) و علی تابنده (محبوب‌علی شاه) ادعای قطبیت این فرقه را مطرح کردند. در حال حاضر نیز قطب فعلی این فرقه نورعلی تابنده ملقب به مجذوب‌علی شاه است (همو).

دیدگاه‌های نظری

نظریه‌های مرتبط با فرقه

یکی از پیشگامان فرقه‌گرایی ارنست ترولتس بود. به اعتقاد وی سازمان دینی، نهاد محافظه‌کارانه‌ای است که نظم دنیوی را تا اندازه زیادی می‌پذیرد و به دنبال پیروزی بر توده‌هاست. اما فرقه، گروهی کوچک و خواهان کمال درونی است و هدفش تماس شخصی مستقیم میان اعضاست. فرقه هرگونه تصور تسلط بر جهان را رها می‌کند و نسبت به جهان، دولت و جامعه بی تفاوت و مخالف است. فرقه یا از جامعه دوری می‌کند، یا خواهان جامعه دیگری به جای جامعه کنونی می‌شود. از نظر ارنست ترولتس سه عامل در ایجاد فرقه‌ها در درون سازمان‌های دینی عام دخیل اند:

۱. اختلافات اجتماعی همانند دوگانگی فرهنگی، حل و فصل نشدن اندیشه، عقاید و آرای سیاسی احزاب درون جامعه؛

۲. عوامل خارجی؛

۳. عوامل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی.

ویلسون، فرقه را یک همگرایی داوطلبانه با ادراک شدیدی از هویت نفس می‌داند. عضویت در فرقه به فضیلت یا نوعی شرایط عضویت مانند آگاهی یا پذیرش آموزه فرقه و یا گرویدن به خاطر نوعی تجربه خاص مذهبی، بستگی دارد. مهم‌ترین ویژگی‌ای که ویلسون برای فرقه ذکر می‌کند، جدایی و تمایز آن از سازمان‌های مذهبی دیگر و ادعای انحصار حقیقت از سوی فرقه است. استارک و بین بریج گرایش به انشعابات فرقه‌ای را ناشی از این واقعیت می‌دانند که عضویت در هر نوع سازمان مذهبی خواه ناخواه با نوعی تمایز درونی همراه است. مهم‌ترین این تمایز مبتنی بر دو دستگی‌هایی است که میان داراها و ندارها و قدرتمندها و ضعیفان پیش می‌آید. هر چه درجه قشربندی در درون سازمان مذهبی بیشتر باشد، احتمال وقوع چنین جنبش‌هایی بیشتر است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۴۰-۳۵۱).

۱۲۷

آیت‌الله مصباح نیز با ریشه‌یابی علل این‌گونه انحرافات اجتماعی، آن‌ها را به نحوه عملکرد بعضی از دست‌اندرکاران امور دینی در جوامع گوناگون برمی‌گرداند و معتقد است لغزش‌های آنان منجر به زمینه‌سازی ظهور فرقه‌های انحرافی می‌گردد (خطیبی، ۱۳۹۰).

چارچوب نظری

از میان نظریه‌های مختلفی که درباره عوامل مؤثر در ایجاد فرقه‌ها و گرایش افراد به آن‌ها وجود دارد نظریه‌های «ارنست ترولتش» و «رابرتسون» بیش از سایر نظریه‌ها با دو فرقه مورد بررسی در پژوهش - یعنی بهائیت و تصوف - همخوانی دارد.

به نظر ارنست ترولتش، سه عامل اختلافات اجتماعی، عوامل خارجی، عوامل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد فرقه‌ها در درون سازمان‌های دینی عام دخیل می‌باشند. در تشریح آن‌چه ترولتش تحت عنوان «اختلاف اجتماعی» نام برده، باید گفت زمانی که اوضاع نامطلوبی در جوامعی که متصدیان امور دینی نقشی مهم در امور دارند ایجاد می‌شود، بسیاری از مردم - که نمی‌توانند مسائل را به درستی تجزیه و تحلیل کنند - این نابسامانی‌ها را به دلیل دخالت دین‌داران در وقوع آن‌ها، به حساب دین می‌گذارند و می‌پندارند اعتقادات دینی، موجب پیدایش این‌گونه اوضاع نامطلوب شده، لذا از دین بیزار می‌شوند. واقعیت آن است که بزرگ‌ترین سلاح علمای دین در مواجه شدن با انحرافات، بهره‌گیری از آموزه‌های دین است. طبیعی است محیط‌هایی خاص بستر رشد انحراف به شمار می‌رود و اصلی‌ترین آن‌ها محیط‌های اجتماعی خردگیز، احساس‌گرایی افراطی و عدم شفافیت یا ابهام است. به عبارتی هر قدر قدرت سازمان دینی عام در جامعه بیشتر باشد، کارکردهای فرقه‌ها که از جمله، ترویج و بسط عقاید آن‌هاست از رونق خود افتاده و تکیه‌گاهی جز سکوت نخواهد یافت (جعفریان، ۱۳۸۴).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و ناآگاهی و خردگریزی که در شرایط نابسامانی اقتصادی و اجتماعی تشدید می‌شود دو عامل مؤثر در گرایش به فرقه‌هاست.

ترولتش عوامل خارجی را نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری و ترویج فرقه‌ها نام می‌برد. این عامل اگرچه درباره یکی از فرقه‌های مورد بررسی در این تحقیق - یعنی بهائیت - صادق است، اما هدف بررسی عوامل داخلی مؤثر در شکل‌گیری و ترویج فرقه‌ها به شمار می‌رود.

اما آن‌چه رابرتسون به عنوان یکی از عوامل مؤثر در گرایش به فرقه‌ها ذکر کرده، تکلیف‌گریزی موجود و نبود محدودیت‌ها در فرقه‌هاست. این امر در بسیاری از فرقه‌ها به شرایط عضویت در فرقه محدود نمی‌شود، بلکه به مسائل و تکالیف اعضای فرقه نیز تسری

پیدا می‌کند و به تکلیف‌گریزی می‌انجامد (همیلتون، ۱۳۷۷).

در مجموع به نظر می‌رسد رشد و گرایش به دو فرقه بهائیت و تصوف (سلسله نعمت‌اللهی گنابادی) - که موضوع این پژوهش هستند - در چارچوب نظریه‌های «ارنست ترولتس» و «رابرتسون» - که چهار عامل ناآگاهی و خردگریزی، باورهای به انحراف کشیده شده، تکلیف‌گریزی و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی را در گرایش به فرقه‌ها مؤثر می‌دانند - قابل بررسی و تحلیل باشد.

پیشینه تحقیق

جعفریان (۱۳۸۴) در مقاله «پیدایش فرقه‌گرایی در سازمان‌های دینی» به تشریح علل فرقه‌گرایی در جوامع دینی پرداخته است. وی یکی از علل پیدایش فرقه‌گرایی در جوامع دینی را ضعف عملکرد سازمان‌های مذهبی در جوامع دینی دانسته و بیان کرده که هر قدر قدرت سازمان دینی عام در جامعه بیشتر باشد به یقین کارکردهای فرقه از رونق خود افتاده و تکیه گاهی جز سکوت نخواهد یافت.

رهدار (۱۳۹۰) در مقاله «تصوف در مدار سیاست» در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه و در چه مراحل تصوف سنی که به لحاظ رویکرد، منزوی و خانقاه‌نشین بوده در آستانه صفویه، اجتماعی و کاخ‌نشین شده است؟ نویسنده دو تحلیل متفاوت سیاسی و فکری - معرفتی از خاستگاه شکل‌گیری تصوف ارائه کرده و سپس تغییر رابطه تصوف با سیاست و پیوند تصوف و تشیع را از ابعاد مختلف بررسی نموده است.

نصیری (۱۳۸۲) در نوشتاری با نام «سرچشمه‌های حدیثی عرفان و تصوف اسلامی»، با بیان این که کلید دنیای پیچیده عرفان و تصوف، معنویت است، چشمه‌سار اصلی این معنویت را مربوط به قرآن، سنت پیامبر ﷺ و احادیث و ادعیه به جا مانده از آن حضرت و اهل بیت و یاران نزدیک صحابه دانسته است.

بختیاری‌زاده (۱۳۸۱) در پژوهش «نقش سیاسی و اقتصادی شبکه بهائیت در حکومت پهلوی دوم» به موضوع نفوذ بهائیان در ارکان سیاسی و اقتصادی کشور در دوران محمدرضا پهلوی پرداخته است.

در هیچ یک از تحقیقات موجود درباره موضوع تحقیق، به بررسی چگونگی فعالیت بهائیت در اصفهان - به عنوان یک فرقه بومی استان - از دیدگاه پیروان آن‌ها پرداخته نشده است. در

این پژوهش، عوامل مؤثر در گرایش به بهائیت در اصفهان، مخاطبان اصلی و شیوه‌های جذب افراد به این فرقه در استان و نهایتاً فرصت‌هایی که این فرقه برای افراد ایجاد می‌کند، از زبان پیروان این فرقه بررسی می‌شود.

درباره فرقه صوفیه نیز منابع زیادی موجود است؛ اما پژوهشی که به شرح وضعیت تصوف در اصفهان زمان حاضر پرداخته باشد، دیده نشد. لذا این پژوهش به لحاظ این که به بررسی وضعیت فرقه صوفیه در اصفهان در زمان حاضر از دیدگاه پیروان این فرقه می‌پردازد، محتوایی متفاوت با پژوهش‌های قبلی در این حوزه ارائه می‌دهد.

پرسش‌های پژوهش

۱. عوامل مؤثر در گرایش افراد به فرقه‌های بهائیت و تصوف در شهر اصفهان چیست؟
۲. مخاطبان اصلی فرقه‌های بهائیت و تصوف در شهر اصفهان چه کسانی هستند؟
۳. در حال حاضر شیوه‌های جذب افراد به فرقه‌های بهائیت و تصوف در شهر اصفهان چگونه است؟
۴. فرقه‌های بهائیت و تصوف در اصفهان چه فرصت‌هایی برای پیروان خود ایجاد می‌کنند؟

روش تحقیق

تکنیک تحقیق در جمع‌آوری اطلاعات «مصاحبه عمیق اقناعی» است. با توجه به این که نیاز به ارائه اطلاعات واقعی از سوی مصاحبه‌شونده بود، مصاحبه‌ها به صورت نیمه باز و در گفت‌وگویی دوستانه مطرح شد.

جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق، بهائیان ساکن اصفهان و صوفیان سلسله نعمت‌اللهی گنابادی اصفهان هستند. نمونه‌گیری تعمدي انتخاب شد که معمولاً در تحقیقات کیفی این نوع نمونه‌گیری به کار می‌رود. حجم نمونه در این تحقیق به واسطه این که یک تحقیق کیفی است به شیوه اقناعی است که در آن محقق پس از قانع شدن نسبت به پاسخ‌ها به روند مصاحبه پایان می‌دهد و بدین گونه در این تحقیق سه نفر از پیروان فرقه تصوف و پنج نفر از پیروان فرقه بهائیت مورد مصاحبه قرار گرفتند.

بر اساس اهداف، پرسش‌ها و چارچوب تئوریک تحقیق، برای پیروان بهائیت مصاحبه‌نامه‌ای با سیزده سؤال و برای پیروان تصوف مصاحبه‌نامه‌ای با یازده سؤال

تنظیم شد.

یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر در گرایش افراد به فرقه بهائیت در اصفهان چیست؟

با توجه به این که چهار عامل «ناآگاهی و خردگریزی»، «باورهای به انحراف کشیده شده»، «تکلیف‌گریزی» و «نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی» به عنوان عوامل مؤثر در رویش و رشد فرقه‌ها به طور عمومی مطرح است برای دستیابی به پاسخ این سؤال که در گرایش افراد به بهائیت در اصفهان کدام یک از عوامل گرایش به فرقه‌ها مؤثرتر است، چهار سؤال طرح شد که مجموع پاسخ‌ها، تعیین کننده ترتیب نقش عوامل مؤثر در گرایش به بهائیت در اصفهان است.

سؤال اول: چقدر از اصول و احکام دین اسلام آگاهی دارید؟

بهائیان بیان کردند که زندگی در بین مسلمانان و تحصیل در مدرسی که به آن‌ها احکام اسلامی آموزش داده می‌شود سبب شده نسبت به دین اسلام دارای آگاهی و شناخت کافی باشند.

استدلال بهائیان درباره آگاهی از دین اسلام در صورتی است که بهائیان از کودکی تا زمان رفتن به مدرسه در خانواده و مجامع بهایی آموزش می‌بینند و پس از ورود به جامعه، خردگریزی غالب در آموزش‌های بهائیت که تا آن مقطع آموزش دیده‌اند و دید منفی نسبت به اصول و احکام دین اسلام که به کودکان بهایی القا شده است، موجب عدم نگرش صحیح و بی‌طرفانه بهائیان به آموزه‌ها و احکام دین اسلام می‌گردد.

سؤال دوم: آیا به ظهور منجی و مصلح آخر الزمان اعتقاد دارید؟

پاسخ‌ها نشان دهنده اعتقاد بهائیان به اصل وجود مصلح آخر الزمان است، با این تفاوت که این اعتقاد، وجود باورهای به انحراف کشیده را در میان بهائیان تأیید می‌کند. مصاحبه‌شوندگان همگی ضمن بیان اعتقاد به وجود مصلح آخر الزمان، بیان کردند که مصلح آخر الزمان ظهور کرده است و تبعیت از آن به دلیل آن که در همه ادیان سفارش شده، بر همه افراد واجب است. از پنج فرد مصاحبه شده، چهار نفر منجی آخر الزمان را «عبدالبهاء» و تنها یک نفر، او را «بهاء» دانست؛ در صورتی که بر اساس اصول اصلی بهائیت، بهاء مصلح موعود بوده است و عبدالبهاء تنها جانشین اوست. به عبارتی پاسخ‌ها حاکی از آن است که بهائیان از

اصول و مبانی بهائیت نیز اطلاع کاملی ندارند.

با توجه به این که بنیان‌گذاران بهائیت در ابتدا از شیعیان دوازده امامی بوده‌اند و انحراف اعتقادی آن‌ها از انحراف در مسئله مهدویت آغاز شد، در زمان حاضر نیز این باور به انحراف کشیده شده در گرایش به بهائیت دارای تأثیر زیادی است. ادعای بهائیت درباره ظهور این منجی در یکصد و شصت سال پیش و تأیید وجود ظلم و بی‌عدالتی در جهان کنونی توسط پیروان بهائیت، تناقضی است که خود بهائیان نیز درباره آن با تردید صحبت می‌کنند.

سؤال سوم: به نظر شما ساده بودن احکام یک دین در پذیرش آن تأثیری دارد یا خیر؟

بهائیان با اذعان به این که احکام بهائیت بسیار آسان‌تر از دین اسلام است، بیان کردند که پذیرش دین یک امر قلبی است و یک بهایی کافی است که به مسائل دینی خود اعتقاد قلبی داشته باشد، اما با توجه این که در شرایط فعلی در ایران بهائیت از ادیان ممنوع به شمار می‌آید و چنانچه یک بهایی اعتقادات خود را در جایی ابراز کند مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، گرایش به بهائیت نمی‌تواند به دلیل ساده بودن احکام دین آن باشد؛ زیرا اعتقاد به بهائیت بیش از آن که موجب راحتی و آسایش ما به لحاظ اجتماعی گردد، در شرایط فعلی موجب محدودیت ما شده است.

با توجه به پاسخ‌های بهائیان، سادگی احکام بهائیت در زمینه‌های فردی و اجتماعی، از نکات قابل توجه این فرقه برای بهائیان است؛ زیرا همه افراد مورد مصاحبه، بر پذیرش قلبی اعتقادات در فرقه بهایی تأکید کردند و این نشان دهنده آن است که سادگی احکام بهائیت یکی از نکات قابل توجه این فرقه برای گروندگان به آن بوده است.

سؤال چهارم: آیا فکر می‌کنید بین نابسامانی‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه هست با ماهیت احکام اسلامی رابطه‌ای وجود دارد؟

در پاسخ‌های داده شده دو نکته وجود دارد: نخست آن که دین امر مقدسی است که موجب نابسامانی نمی‌گردد و دوم آن که مشکلات و نابسامانی‌ها تنها مربوط به کشور ما - که دین رسمی آن اسلام است - نیست و به نظر آن‌ها میان احکام اسلام و نابسامانی‌های موجود در کشور ربطی وجود ندارد، بلکه مشکلات ناشی از عملکرد مجریان دین است.

جواب‌های بهائیان با عملکرد آنان درباره ادیان الهی و اسلام متناقض است. تلاش‌های بهائیان برای متزلزل کردن باورهای اعتقادی پیروان ادیان الهی به‌ویژه مسلمانان همیشه بوده است، اگرچه در برنامه‌ریزی‌های جدید، رهبران فرقه تصمیم گرفته‌اند که با همه ادیان

همراه شوند تا آن‌ها به بهائیت اعتماد کنند و در مقابل آن جبهه نگیرند. این روش جدید فرقه بهایی به پیروان انتقال داده شده و از اعضای فرقه خواسته‌اند ابتدا با افراد از هر دین و مذهبی همسو شوند و به تدریج مسیر آن‌ها را تغییر داده و به سمت بهائیت جذب کنند (ماه‌نامه شفافیست، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۳).

به نظر می‌رسد پاسخ‌گویان به دلیل سیاست جدید فرقه مبنی بر اظهار همراهی بهائیان با همه ادیان، اعتقاد واقعی خود را بیان نکرده‌اند.

در مجموع از پاسخ‌های بهائیان استنباط می‌شود که «تکلیف‌گریزی» بیش از سه عامل دیگر در گرایش به بهائیت در اصفهان مؤثر است. «ناآگاهی و خردگریزی» و «نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی» نیز دو عامل دیگری است که پس از تکلیف‌گریزی، در گرایش به بهائیت تأثیری درخور توجه دارد.

مخاطبان اصلی فرقه بهائیت در اصفهان چه کسانی هستند؟

سؤال اول: به نظر شما دین بهائیت می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز جوانان به معنویت باشد؟ پاسخ‌گویان بیان کردند که در برنامه‌های آموزشی دین بهائیت کلاس‌های اخلاق، خلاقیت و پیشرفت روحی ویژه جوانان برگزار می‌شود که این آموزش‌ها در رفع نیاز جوانان به معنویت مؤثر است.

واقعیت این است که برگزاری این کلاس‌ها تنها بهانه‌ای برای جذب انسان‌هایی است که به لحاظ اجتماعی و سنی در شرایطی هستند که زمینه سوء استفاده از آن‌ها بیش از سایر افراد فراهم است. آن‌چه سبب می‌شود یک عضو جدید در بهائیت بماند، پاسخ‌گویی آموزه‌های بهائیت به نیاز معنوی جوانان نیست، بلکه حضور در کلاس‌های آموزشی، انجام فعالیت‌های مشترک، مطالعه متون پایه، شرکت در تجمعات و فعالیت‌هایی از این قبیل به حدی جوانان را مشغول می‌کند که فرصت فکر کردن درباره مشکلات و گرفتاری‌ها از آنان سلب می‌شود.

افزون بر این، در جلسات از طریق مغزشویی از سوی اعضای قدیمی تر به اعضای جدید گفته می‌شود که هیچ‌کس نباید رهبری فرقه را زیر سؤال ببرد. آن‌ها به اعضای جدید می‌آموزند که هرگز نباید به آن‌چه به آن‌ها آموزش داده می‌شود شک کنند و در صورت هرگونه تردید باید از مسئول بالای خود راهنمایی بخواهد و به این روش حق فکر کردن درباره حقیقت آن‌چه به

آن‌ها عرضه می‌گردد از افراد گرفته می‌شود.

سؤال دوم: آیا جوانان و کودکان هر خانواده‌ای توسط اعضای خانواده اطلاعات مربوط به دین بهایی را کسب می‌کنند، یا این که جلسات مشخصی برای تعلیم نوجوانان و کودکان وجود دارد؟

پاسخ‌گویان مطرح کردند که کودکان خانواده‌های بهایی از شش سالگی در کلاس‌های ویژه کودکان با دین بهائیت آشنا می‌شوند و احکام آن را فرا می‌گیرند. همچنین نوجوانان آن‌ها از سن ۱۲ الی ۱۵ سالگی در کلاس‌های ویژه خود شرکت می‌کنند.

پاسخ‌ها بیان‌گر آن است که برنامه‌ریزی رهبران فرقه برای جذب کودکان و نوجوانان خانواده‌های بهایی به بهائیت، منسجم و دقیق است. رهبران فرقه با در نظر گرفتن نقش آموزش در سنین پایین، به آموزش فرزندان بهائیان از کودکی به صورت هماهنگ در قالب کلاس‌های ویژه آشنایی با دین بهایی می‌پردازند. این کودکان تا سن ۱۵ سالگی فرصت دارند تا موضع خود را در مقابل بهائیت اعلام کنند. اعلام موضع در برابر بهائیت برای نوجوانی که از کودکی تحت تعالیم اجباری قرار گرفته و در آن مقطع حساس سنی که هر نوجوانی نیاز به حمایت بیشتر اطرافیان دارد، اگر دین بهائیت را نپذیرد، نه تنها از جامعه بهایی، بلکه از خانواده خود نیز طرد می‌شود، نتیجه‌ای جز پذیرش بهائیت ندارد.

سؤال سوم: آیا شما به ارائه اطلاعات دینی به افراد اعتقاد دارید یا این که فکر می‌کنید هر کسی خودش باید در جست‌وجوی حقیقت باشد و به حقیقت دست پیدا کند؟

پاسخ‌گویان عنوان کردند که به غیر از بهائیان، اگر افرادی به دنبال آشنایی با دین بهائیت باشند حتماً درباره بهائیت به آن‌ها اطلاعاتی داده خواهد شد. این در صورتی است که در عمل، تشکیلات بهائیان در پی مخاطبان عام نیز هست.

بر اساس وظیفه‌ای که تشکیلات بهائیت برای اعضا تعیین کرده، هر عضو موظف است از بین اطرافیان خود، افراد مورد اعتماد را انتخاب، در مورد آموزه‌های بهائیت با آن‌ها سخن بگوید و با معرفی کتاب‌های طرح روحی، جذب به بهائیت را آغاز کند. برقراری ارتباط با افراد مسلمان و دوستی با آن‌ها بخشی از برنامه جذب تشکیلات بهایی است.

بررسی مجموع پاسخ‌ها بیان‌گر آن است که مخاطبان اصلی بهائیت اصفهان دو گروه کودکان، نوجوانان و جوانان بهایی، و نوجوانان و جوانان غیر بهایی هستند.

در حال حاضر شیوه‌های جذب افراد به فرقه بهائیت در اصفهان چگونه است؟

تحقیقات انجام شده درباره فرقه‌ها بیان گر آن است که افراد تنها، افسرده و اشخاص گرفتار بیش از سایر افراد به فرقه‌ها جذب می‌شوند. با توجه به این مطلب، سؤالات زیر مطرح گردید:

سؤال اول: معمولاً هر اعضای گروهی که در اقلیت اند، سعی می‌کنند از یکدیگر حمایت‌هایی داشته باشند. مثلاً ایرانیان خارج از کشور خیلی یکدیگر را حمایت می‌کنند؛ آیا بهائیان اصفهان نیز نسبت به هم چنین حمایت‌هایی دارند؟

بهائیان گفتند که یکی از مهم‌ترین اصول ما خدمت به یکدیگر است و ما به لحاظ حمایت از یکدیگر بسیار قوی هستیم. این حمایت‌ها بیشتر از طریق ضیافت‌ها انجام می‌شود. حمایت‌های بهائیان از یکدیگر در همه جوانب و به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی است. به دلیل ممنوعیت فعالیت تشکیلاتی بهائیان در ایران، ارتباط بهائیان با یکدیگر و به‌ویژه با افراد تازه‌وارد، معمولاً در قالب ارتباط چند خانواده بهایی با هم به صورت محدود است. در ضیافت‌ها - که مجالسی گسترده‌تر است - نیز افراد، گزارش‌های مربوط به ارتباط با دیگر بهائیان را ارائه می‌دهند و چنان‌چه یکی از بهائیان به کمک دیگران نیاز داشته باشد به بهترین نحو از وی حمایت می‌شود.

سؤال دوم: آیا در محافل خود از افراد غیربهایی نیز استقبال می‌کنید؟

بهائیان مطرح کردند که با توجه به مشکلاتی که نظام حاکم ایران برای آنان به وجود آورده، اعتمادشان به محیط و افراد جامعه کم شده، با این حال معتقد به وحدت عالم بشری هستند و از ورود غیربهائیان که با هدف آشنایی با بهائیت به جمع آنان وارد می‌شوند استقبال می‌کنند.

در واقع از وظایف هر بهایی ارتباط با غیربهائیان و جذب آن‌ها به دین خود است. بهائیان در مرحله اول برخورد با یک غیربهایی، نه تنها مخالفت خود با اسلام را آشکار نمی‌کنند، بلکه با وی همراهی نیز می‌کنند. در مرحله دوم، با طرح سؤالاتی که پاسخ‌های آن از پیش تعیین شده، در باورهای فرد تردید ایجاد می‌کنند و انجام فرایض دینی را برای فرد کم‌رنگ جلوه می‌دهند. رفته‌رفته فرد به آیین بهائیت فکر می‌کند و آن‌قدر این آیین را برای وی زیبا جلوه می‌دهند که باورش می‌شود بهائیت حق است (همان).

سؤال سوم: آیا دین بهائیت دستوری برای کمک و دستگیری از بیماران جسمی و روحی دارد؟

پاسخ‌گویان عنوان کردند که معمولاً در محافل بهایی، برای کمک به افراد ناتوان، کمک‌های مادی جمع‌آوری می‌شود. به جز این کمک‌ها، افرادی که توان مالی دارند، هزینه‌های پرستاری از معلولان بهایی را نیز می‌پردازند و گاهی اوقات برخی افراد، معلولان را در منازل خود پرستاری می‌کنند. بهائیان کمک‌های بهایی به افراد ضعیف و ناتوان جسمی و روحی را از وظایف دینی خود دانستند.

در سؤال چهارم درباره شیوه‌های جذب افراد با «طرح روحی» - که یکی از برنامه‌های روشمند تبلیغی بهائیت برای جذب افراد است - پرسیده شد. بر اساس طرح روحی، هر خانواده بهایی در ایران موظف است در مسیر جذب غیربهائیان به بهائیت فعالیت کند.

سؤال چهارم: گفته می‌شود که «طرح روحی» طرحی جذاب است؛ اگر ممکن است درباره این طرح برایمان توضیح دهید.

پاسخ‌گویان توضیح دادند: طرح روحی شامل هفت کتاب است که در طول سه سال مطالعه می‌شود. در این کتاب‌ها اصول و احکام دین بهائیت به زبان ساده بیان می‌شود و فرزندان بهائیان این کتاب‌ها را از ۱۲ تا ۱۵ سالگی مطالعه می‌کنند. روند مطالعه کتاب‌ها به صورت منظم از کتاب اول شروع می‌شود و در پایان سال سوم به کتاب هفتم ختم می‌گردد.

آن‌چه مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند بیان‌گران بود که آگاهی بهائیان از اهداف رهبران فرقه درباره طرح روحی، به عنوان یک برنامه روشمند تبلیغی بسیار کم است. در مجموع پاسخ‌ها درباره شیوه‌های جذب افراد به بهائیت در اصفهان، با آن‌چه در واقع اتفاق می‌افتد بسیار متفاوت است.

بهائیان چنین وانمود کردند که فعالیت‌های تبلیغی و ارتباطاتشان با غیربهائیان، بر اساس نوع دوستی و تلاش برای وحدت بشری است. این در حالی است که تبلیغ، رگ حیات بهائیت است و بهائیان بر اساس سفارش‌های رهبران خود به تبلیغ و جذب افراد می‌پردازند.

در پیامی که بیت‌العدل در سال ۲۰۰۶ صادر کرد به بهائیان گفت: «... اگر در تبلیغ سستی کنید رگ حیات تشکیلات قطع می‌شود. در هر صورت باید تبلیغ کرد، ولی با سیاست، اگر تبلیغ آشکار ممکن نشد در پنهان به جذب بپردازید...» (همان: ۱۴).

گزارش‌های موجود درباره فعالیت‌های تبلیغی بهائیان، گویای آن است که بهائیان به غیر از طرح روحی، از شیوه‌های تبلیغی متنوعی برای جذب افراد بهره می‌گیرند. این فعالیت‌ها از توزیع جزوات آموزشی، کتاب‌های بهایی و سی‌دی‌های تصویری تا تأسیس آرایشگاه‌های

رایگان برای جوانان، راه‌اندازی سوپرمارکت‌ها با ارائه تخفیف یا خدمات رایگان، برگزاری گردش‌های کوتاه تفریحی، جلسات آوازخوانی جمعی و... را دربر می‌گیرد. براساس اطلاعاتی که پژوهشگر از مصاحبه با کارشناسان سازمان تبلیغات اسلامی استان اصفهان به دست آورد، شیوه‌های جذب بهائیان اصفهان بر دو محور حمایت‌های اقتصادی همچون فراهم کردن کار برای جوانان، مهیا نمودن زمینه ازدواج آنان و جذب اخلاقی است. همچنین جذب افراد با بهره‌گیری از شیوه‌های اخلاقی، رعایت حداکثری اصول اخلاقی در برخورد با غیربهائیان و محصور کردن افراد مورد هدف در محبت اعضای فرقه که به شیوه «مباران محبت» معروف است، از شیوه‌های جذب افراد به بهائیت در اصفهان به شمار می‌رود.

فرقه بهائیت در اصفهان برای پیروان خود چه فرصت‌هایی ایجاد می‌کند؟

سؤال اول: آیا پیروان دین بهائیت در شرایط فعلی جامعه، آزادی عمل دارند؟

با توجه به این که براساس قانون، «تشکیلات فرقه بهائیت در تمامی رده‌ها غیرقانونی و غیر رسمی است» هدف از طرح این سؤال این بود که بدانیم از نظر بهائیان، میزان آزادی عمل آنان در جامعه به چه میزان است و آیا از آن به عنوان یک فرصت در جذب سایر افراد برای ورود به این فرقه استفاده می‌کنند؟ تقریباً هر پنج نفر گفتند که در سال‌های اخیر، آزادی بهائیان بسیار محدود شده و تشکیل جلسات و محافل خانگی - که به صورت هفتگی برگزار می‌شود - به دلیل تشدید کنترل‌ها از طرف نظام بسیار سخت شده است. آن‌ها کاهش تعداد نفرات شرکت‌کننده در جلسات را نتیجه تشدید محدودیت‌ها برای بهائیان دانستند.

سؤال دوم: فکر می‌کنید برای فردی که به بهائیت گرایش پیدا می‌کند، چه مزیت‌ها و

امکانات مادی و معنوی ایجاد می‌شود؟

بهائیان بیان کردند که با توجه به محدودیت‌های موجود و این که امکان فعالیت‌های گسترده برایشان وجود ندارد، نمی‌توانند فرصت‌هایی که مشوق افراد برای ورود به بهائیت باشد را ایجاد کنند و تنها مزیتی که ورود به دین بهائیت برای افراد دارد، تقویت روحی است. همچنین ارتباطی که افراد در ضیافت‌ها با یکدیگر برقرار می‌کنند شکل‌گیری یک‌سری دوستی‌های نزدیک، استفاده از برخی کلاس‌های آموزشی درسی که هم‌کیشان به صورت رایگان برای هم برگزار می‌کنند و فضاهایی که برای پیشرفت یکدیگر ایجاد می‌نمایند مزیت‌هایی است که برای افرادی که وارد دین بهائیت می‌شوند ایجاد می‌شود.

مصاحبه شونده‌گان به حمایت‌های اقتصادی که به‌ویژه در بین بهائیان اصفهان با قوت زیادی مطرح است و بهائیان متمکن به عنوان یک مزیت برای سایر بهائیان ایجاد می‌کنند، اشاره‌ای نکردند و تنها تقویت روحی را به عنوان مزیتی که بهائیت برای پیروان خود به ارمغان می‌آورد مطرح نمودند.

پاسخ سؤالات پژوهش درباره فرقه تصوف

برای دستیابی به پاسخ سؤالات بخش تصوف، با سه نفر از صوفیان سلسله نعمت‌اللهی سلطان‌علی‌شاهی گنابادی اصفهان مصاحبه‌ای تفصیلی انجام شد.

عوامل مؤثر در گرایش افراد به فرقه تصوف در اصفهان چیست؟

سؤال اول: به نظر شما تصوف و عرفان مطرح در آن تا چه حد با مکتب اسلام و مذهب تشیع آمیخته است؟

پاسخ دهندگان بیان کردند که هدف مکتب اسلام و مذهب تشیع شناخت خداوند است و تنها مسیر صحیح شناخت خداوند، عرفان تصوف است. به عبارتی درویش، تصوف را راه عملی وصول به عرفان و عمل به آن چه عصاره اسلام و مذهب تشیع است عنوان کردند.

سؤال دوم: جایگاه قطب فرقه، جناب آقای دکتر تابنده را در ارتباط با امام زمان (عج) چگونه می‌دانید؟

مصاحبه شونده‌گان همگی با تأکید بر این که به امامت حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند، آقای تابنده را نماینده خاصه آن حضرت می‌دانستند که از طرف ایشان برای دستگیری خلق معرفی شده و درباره چگونگی اجرای احکام دینی خود از آقای تابنده به عنوان قطب فرقه پیروی می‌کنند.

سؤال سوم: به نظر شما ساده بودن احکام تصوف در گرایش به آن تأثیری دارد یا خیر؟
درویش بیان کردند که معمولاً در تصوف، افراد تقیدات بیشتری نسبت به سایر مسلمانان دارند و تکالیف بیشتری برای خود قائل هستند. بنابراین افراد با انگیزه‌شانه خالی کردن از تکالیف عبادی خود به تصوف گرایش پیدا نمی‌کنند.

سؤال چهارم: آیا در اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه در شرایط کنونی، تصوف می‌تواند به افراد کمکی کند؟

پاسخ دهندگان مشکلات جامعه در حوزه‌های گوناگون را ناشی از ضعف معنویت دانسته و

تصوف را تنها راه وصول به عرفان کامل و معنویت بیان کردند. در مجموع با بررسی پاسخ‌های دراویش می‌توان گفت:

- ضعف اطلاعات اولیه از دین اسلام و مذهب تشیع توسط پیروان تصوف، یکی از عوامل مهم در گرایش افراد به تصوف است. این مسئله سبب شده آن‌چه را که رهبران این فرقه به عنوان روح دین اسلام و مذهب تشیع به افراد ناآگاه اما علاقه‌مند به اسلام عرضه کرده‌اند بپذیرند و چشم و گوش بسته مطیع قطب فرقه باشند.

- «باورهای به انحراف کشیده شده»، پس از «ناآگاهی و خردگریزی»، دیگر عامل مؤثر در گرایش به تصوف است. انحراف اعتقادی در مسئله مهدویت و باور به این که اقطاب تصوف، نماینده مجاز از طرف امام معصوم هستند که برای بیعت و دستگیری خلق معرفی شده‌اند، سبب جذب بسیاری از پیروان تصوف به این فرقه شده است.

- اگرچه دو عامل «ناآگاهی و خردگریزی» و «باورهای به انحراف کشیده شده» در گرایش افراد به تصوف مؤثر است، اما پیروان تصوف در جامعه اسلامی ایران زندگی می‌کنند و نمی‌توان گفت درباره اسلام و تشیع هیچ اطلاعاتی ندارند. بنابراین عامل دیگری سبب پررنگ شدن نقش دو عامل ناآگاهی و باورهای انحرافی در گرایش به تصوف می‌شود و آن، وجود «نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی» است.

یکی از نتایج «نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی» جوامع، کناره‌گیری برخی افراد از جامعه و روی آوردن به درون‌گرایی است. وجود برخی نابسامانی‌ها در جامعه فعلی ایران، درون‌گرایی حاکم بر تصوف و ادعای رهبران این فرقه مبنی بر این که مشکلات جامعه در حوزه‌های مختلف ناشی از ضعف معنویت است و روی آوردن به معنویت به بهبود اوضاع جامعه کمک خواهد کرد، سبب گرایش برخی افراد به تصوف شده است. به نظر می‌رسد عامل «تکلیف‌گریزی» در گرایش افراد به تصوف نسبت به سه عامل دیگر، نقش کم‌رنگ‌تری دارد.

مخاطبان اصلی فرقه تصوف در اصفهان چه کسانی هستند؟

سؤال اول: آموزش احکام و مسائل تصوف به نوجوانان و جوانان به چه صورتی

انجام می‌شود؟

پاسخ دهندگان بیان کردند که نوجوانان و کودکان ما در جلسات حضور می‌یابند، ولی آموزش‌های ویژه‌ای برای آن‌ها وجود ندارد. نیاز به معنویت یک نیاز فطری است و هراسانی که به سطح رشد مشخصی برسد، این نیاز را در درون خود حس می‌کند و به سمت مسائل

معنوی گرایش می‌یابد. بنابراین نیازی نیست آموزه‌های تصوف به آن‌ها آموزش داده شود.

سؤال دوم: آیا شما معتقد به ارائه اطلاعات دینی به افراد هستید یا این که فکر می‌کنید هر کس خودش باید در جست‌وجوی حقیقت باشد تا به آن دست پیدا کند؟

پاسخ‌دهندگان همگی بیان کردند که حقیقت یافتنی است و چنان چه شخصی آمادگی پذیرش حقیقت را داشته باشد و آن را جست‌وجوی کند، به راحتی به آن دست می‌یابد.

از پاسخ‌ها استنباط می‌شود که رهبران، به اعضای فرقه القا می‌کنند که در تصوف فعالیت تبلیغی برای جذب افراد صورت نمی‌گیرد، بلکه هر شخصی که خود در جست‌وجوی حقیقت باشد و به آن دست پیدا کند، یک صوفی است. این ادعا در حالی است که رهبران فرقه نعمت‌اللّهی اصفهان، با وجود مخالفت دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی استان، اصرار بر برگزاری جلسات خود در مکانی عمومی دارند. از مجموع پاسخ‌های دراویش درباره مخاطبان اصلی تصوف در اصفهان و یافته‌های پژوهشگر از حضور در جلسات دراویش، نتیجه گرفته می‌شود در تصوف گروه سنی نوجوانان و جوانان به عنوان مخاطبان اصلی قلمداد نمی‌شوند. اگر چه در جلسات، منعی برای ورود نوجوانان و جوانان وجود ندارد، اما برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای جذب آنان به فرقه انجام نمی‌شود.

در واقع رهبران تصوف بر خلاف رهبران بهائیت، به جای این که گروه سنی خاصی را مخاطب خود قرار دهند، از ضعف اطلاعات دینی و اجتماعی افراد در گروه‌های سنی مختلف سوء استفاده کرده و مخاطبان خود را از بین افرادی که از سطح بالای اطلاعات دینی و اجتماعی برخوردار نیستند جذب می‌کنند.

در حال حاضر شیوه‌های جذب افراد در فرقه تصوف در اصفهان چگونه است؟

سؤال اول: از آن جا که معمولاً اعضای هر گروهی که در جایگاه اقلیت است، سعی می‌کنند از همدیگر حمایت‌هایی را داشته باشند، آیا دراویش نعمت‌اللّهی اصفهان نیز نسبت به هم چنین حمایت‌هایی را دارند؟

صوفیان بیان کردند که پیروان تصوف، خود به چندین گروه تقسیم شده‌اند و هر گروهی دارای عقاید خاص خویش است و معمولاً صوفیان در گروه‌های مختلف با یکدیگر رابطه خوبی ندارند. برای مثال، پیروان سلسله نعمت‌اللّهی، نه تنها از پیروان تصوف شاخه خاکساریه در اصفهان حمایت نمی‌کنند، بلکه عقاید این گروه از تصوف را قبول ندارند؛ اما صوفیان نعمت‌اللّهی اصفهان همانند همه گروه‌های در اقلیت، با هم متحدند و از یکدیگر

حمایت می‌کنند.

با توجه به آموزه‌های تصوف که بیشتر مبتنی بر فردگرایی است و رفتاری که پژوهشگر در جلسات از رابطه صوفیان نعمت‌اللّٰهی مشاهده کرد، به نظر می‌رسید رابطه صوفیان این سلسله با یکدیگر، آن‌چنان که انتظار می‌رود گروهی اقلیت با یکدیگر صمیمی و متحد باشند، نبود و بر خلاف آن چه اظهار کردند، حمایت‌های آن‌ها از یکدیگر پررنگ نیست.

سؤال دوم: آیا در محافل خود از افراد غیرصوفی نیز استقبال می‌کنید؟

مصاحبه شوندگان ابراز کردند که ما افراد را به حضور در محافل خود تشویق نمی‌کنیم، اما مجالس ما به روی همگان باز است و مانع حضور کسی نمی‌شویم. مصاحبه شوندگان وانمود می‌کردند که ارتباط با یک فرد غیرصوفی و صحبت کردن درباره عقایدشان برایشان مشکل نیست، اما اضطراب در رفتارشان نمایان بود. رفتار صوفیان با پژوهشگر - که به عنوان یک فرد جویای حقیقت، در جلسات هفتگی آن‌ها حضور یافت - با روی باز و استقبال گرم همراه نبود و به نظر می‌رسید بیش از آن که وجود یک فرد تازه‌وارد به جمع خود را فرصتی برای جذب یک فرد جدید بدانند، از ورود آن احساس نگرانی داشتند.

در مجموع به دلایل مختلفی از جمله تأکید آموزه‌های تصوف بر درون‌گرایی، محافظه‌کاری ناشی از آن و کنترل‌هایی که بر پیروان تصوف اعمال می‌شود، صوفیان بیش از آن‌که به دنبال برقراری ارتباط با افراد غیرصوفی و جذب آنان به تصوف باشند، از ارتباط با خارج از مجموعه خود، خودداری می‌کنند.

سؤال سوم: آیا تصوف، دستوری برای کمک به بیماران جسمی و روحی و دستگیری از آنان دارد؟

دراویش با تأکید بر این مسئله که تصوف جدای از تعالیم اسلام و عقاید مطرح در مذهب شیعه نیست، بیان کردند که به عنوان یک مسلمان شیعه، در رفتار خود به حضرت علی علیه السلام تأسی می‌کنند و بنابر وظیفه انسانی و دینی خود از نیازمندان دستگیری می‌نمایند.

آن‌چه در جمع پیروان تصوف جلب توجه می‌کرد، وضعیت ظاهری و پوشش افراد حاضر در جلسات بود. به نظر می‌رسید بیشتر افراد به لحاظ وضعیت اقتصادی و سطح اجتماعی از طبقات متوسط و ضعیف جامعه بودند، در حالی که بیشتر پیروان بهائیت به لحاظ اقتصادی از وضعیت خوبی برخوردارند.

از مجموع پاسخ‌های دراویش و یافته‌های پژوهشگر از حضور در جلسات آنان، نتیجه

می‌گیریم که در این فرقه، حمایت‌های اقتصادی مانند آن‌چه در بهائیت مطرح است، به عنوان یکی از شیوه‌های جذب مطرح نیست.

در تصوف، سوء استفاده از ضعف اطلاعات افراد درباره اسلام و مذهب تشیع، برگزاری جلسات مذهبی هفتگی و تلاش اعضای قدیمی برای این که در رفتار خود افتخار به عضویت در فرقه، کامل جلوه دادن اعتقادات و منحصر به فرد بودن رهبریت تشکیلات را از خود بروز دهند، بارزترین شیوه‌های جذب به شمار می‌آید.

فرقه تصوف در اصفهان چه فرصت‌هایی برای پیروان خود ایجاد می‌کند؟

سؤال اول: آیا پیروان تصوف در شرایط فعلی جامعه، آزادی عمل دارند؟

پاسخ‌دهندگان با بیان این که معتقدان به تصوف نیز مسلمان و شیعه هستند، اما در شرایط فعلی به سختی زندگی می‌کنند، ابراز داشتند که به لحاظ اجتماعی بسیار در تنگنا هستند و تشکیل جلسات هفتگی به دلیل فشارهایی که از سوی نظام بر آن‌ها وارد می‌شود با دشواری انجام می‌شود. اگرچه صحبت‌های صوفیان همگی از فشارهای نظام بر آن‌ها حکایت داشت، اما هر هفته برگزاری یکی از جلسات پیروان سلسله نعمت‌اللّٰهی در مکانی عمومی واقع در قبرستان تخت فولاد و پخش صدای قطب فرقه (نورعلی تابنده) در فضای عمومی، از آزادی نسبی صوفیان در برگزاری جلسات حکایت می‌کرد.

سؤال دوم: فکر می‌کنید برای فردی که به تصوف گرایش پیدا می‌کند چه مزیت‌ها و امکانات مادی و معنوی ایجاد می‌شود؟

دراویش بهترین مزیت تصوف برای پیروان خود را فرصت معنوی دستیابی به عرفان حقیقی دانستند. از مجموع پاسخ‌ها و یافته‌های پژوهشگر از مصاحبه‌ها، این نتیجه به دست می‌آید که تصوف برای پیروان خود مزیت‌های مادی ایجاد نمی‌کند و گروندگان به تصوف هم با آگاهی از این مسئله، عمدتاً با انگیزه بهره‌مندی از فرصت‌های معنوی و قرارگرفتن در مسیر عرفان حقیقی به این فرقه می‌پیوندند.

نتیجه و ارائه راهکار

تکلیف‌گریزی موجود در بهائیت نقشی مهم در گرایش افراد به این فرقه دارد. تمامی افراد مصاحبه شونده، در توصیف دین خود بر نخستین عاملی که تأکید می‌کردند مهم بودن اعتقادات قلبی و متقابلاً اهمیت نداشتن تکالیف عبادی در بهائیت بود. نتایج حاصل از بخش

بهائیت، تأیید کننده نظریه «رابرتسون» است. وی تکلیف‌گریزی موجود در فرقه‌ها را یکی از عوامل مؤثر در گرایش به آن‌ها ذکر می‌کند. این مسئله درباره تصوف، همانند آن‌چه در بهائیت رخ می‌دهد جایگاهی ندارد.

نتایج حاصل از بخش تصوف به نظریه «ارنست ترولتش» نزدیک است. ترولتش یکی از سه عامل مهم در ایجاد فرقه‌ها را اختلافات اجتماعی می‌داند. به نظریه این امر سبب می‌شود رهبران فرقه‌ها از ضعف عقاید افراد سوء استفاده کرده و آن‌چه تأمین کننده منافع آنان است را به عنوان عقاید مطلوب مخاطبان خویش ارائه کنند. بدعت‌هایی که رهبران فرقه‌ها در کنار عقاید سازمان‌های دینی به وجود می‌آورند، می‌تواند در به انحراف کشیدن دین مسلط جامعه نقش داشته باشد و شخصیت انسانی را به انحطاط بکشاند.

در تصوف نیز ضعف اطلاعات اولیه و لازم از دین اسلام و مذهب تشیع عاملی مهم در گرایش افراد به فرقه است. همین امر سبب می‌شود بدعت‌هایی را که رهبران این فرقه به وجود می‌آورند و به عنوان اساس دین اسلام و مذهب تشیع به افراد عرضه می‌کنند، بپذیرند.

به نظر می‌رسد آن‌چه می‌تواند در برابر عامل تکلیف‌گریزی، ناآگاهی و خردگریزی به عنوان دو عامل مؤثر در گرایش به دو فرقه بهائیت و تصوف مؤثر واقع شود، افزایش شناخت مردم به ویژه نسل جوان نسبت به دین اسلام و مذهب تشیع است. به عبارتی با توجه به غنای مفاهیم و مبانی اسلامی، مشکل در چگونگی عرضه آموزه‌های اسلامی است.

باور به انحراف کشیده ظهور منجی و مصلح آخرالزمان از دیگر عوامل مؤثر در گرایش به بهائیت و به ویژه تصوف به شمار می‌آید. پیوند معنادار بین ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت حق همواره بهانه برخی فعالیت‌های تندروانه شده است. جریان شکل‌گیری بهائیت و طرح ادعای مهدویت علی محمد شیرازی نیز در همین چارچوب بود. در تصوف نیز در بین دراویش نعمت‌اللهی اصفهان نیابت خاص امام زمان (عج) برای قطب فرقه مطرح است و حتی گاهی دیده شده که گروهی از سران سلسله گنابادی، قطب را امام وقت دانسته و برای قطب و امام، یک حقیقت و یک معنا قائل هستند.

از مجموعه این مباحث استنباط می‌شود که ناآگاهی مردم از موضوع مهدویت و مسائل پیرامون آن، سبب سوء استفاده مدعیان دروغین مهدویت و پیروانشان می‌شود. در این راستا پرهیز از نگاه سطحی و عاطفی به مبحث مهدویت و توجه به فلسفه و انگیزه قیام حضرت مهدی (عج) آگاهی نسبت به علایم ظهور و همچنین صفات، کمالات و ویژگی‌های حضرت

ولی عصر علیه السلام با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام پیشنهاد می‌شود.

درباره شیوه‌های جذب افراد به فرقه‌های بهائیت و تصوف، با توجه به شیوه‌های متنوعی که در هر یک از فرقه‌ها استفاده می‌شود پیشنهاد می‌گردد انواع شیوه‌های تبلیغی مورد استفاده بهائیان و متصوفه به‌ویژه شیوه‌های تبلیغی این فرقه‌ها در استان، اطلاع‌رسانی شود و اهداف واقعی رفتارهای تبلیغی پیروان این فرقه‌ها تشریح گردد.

از دیگر مباحث مطرح در مصاحبه‌ها «مخاطبان فرقه‌ها» بود. یافته‌ها نشان داد که مخاطبان اصلی بهائیت گروه سنی نوجوان و جوان هستند که در این گروه سنی، غیر بهائیان نیز مورد توجه ویژه قرار دارند. در تصوف، گروه سنی و قشر خاصی به عنوان مخاطب، هدف قرار نمی‌گیرند، بلکه عمده مخاطبان از بین افرادی که سطح بالایی اطلاعات دینی و اجتماعی ندارند هستند.

بنابراین آگاهی بخشی به عموم مردم به‌ویژه جوانان درباره مفاهیم و مبانی اسلامی بر اساس آن چه ذکر شد و مسئله مهدویت و مسائل پیرامون آن، بی‌تردید درک‌آش گرایش به دو فرقه بهائیت و تصوف تأثیرگذار خواهد بود.

با توجه به سرمایه‌گذاری ویژه بهائیان برای جذب مخاطبان خاص، به دستگاه‌های فرهنگی استان، فعالیت در زمینه تهیه برنامه‌های جذاب، اخلاقی و آموزنده برای قشر جوان، پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات جوانان، و تبلیغ برای گرایش جوانان به مساجد و اماکن مذهبی پیشنهاد می‌گردد.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های دو فرقه بهائیت و تصوف در اصفهان بر اساس سوء استفاده از دو محور «شناخت ضعیف و ناقص افراد نسبت به دین اسلام و آموزه‌های دینی» و «شناخت ضعیف و ناقص افراد نسبت به مسئله مهدویت و مسائل پیرامون آن» انجام می‌شود.

منابع

- ایلایی، ع، *بابیت و بهائیت در بستر تاریخ*، اصفهان، نشر عطر عتروت، ۱۳۸۲ ش.
- بختیاری زاده، علی، *نقش سیاسی اقتصادی شبکه بهائیت در حکومت پهلوی دوم*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- تالرسینگر، مارگارت، *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه: ابراهیم خدا بنده، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸ ش.
- جلالی مقدم، مسعود، *درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ دین*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹ ش.
- جعفریان، مجید، *پیدایش فرقه‌گرایی در سازمان‌های دینی*، ماهنامه معرفت، شماره ۹۱، ۱۳۸۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *شریعت درآئینه معرفت*، تهران، نشر فرهنگ رجاء، ۱۳۷۳ ش.
- حسینی، علی، *پدیدارشناسی دین*، پایگاه اینترنتی استهبان (<http://stahban.persianblog>)، ۱۳۸۹ ش.
- حکمت، علی اصغر، *نه گفتار در تاریخ ادیان*، شیراز، نشر اتحادیه، ۱۳۳۹ ش.
- خطیبی، حسین، *فرقه چیست؟ انحراف کدام است*، پایگاه اینترنتی لیلة القدر، ۱۳۹۰ ش.
- دریاکناری، محمد، *تصوف (جزوه آموزشی معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان)*، بی تا.
- رهدار، احمد، «تصوف در مدار سیاست»، *دوهفته‌نامه پگاه حوزه*، ش ۳۱۴-۳۱۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۰ ش.
- زاهد زاهدانی، سیدسعید، *بهائیت در ایران*، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- علیزاده، سکینه، «درآمدی بر مطالعات مردم‌شناسی دینی»، فصل نامه *نمایه پژوهش*، ش ۵ و ۶، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
- کافی، محمد مهدی، *قبیله حیل*، تهران، انتشارات علیون، ۱۳۸۹ ش.
- کریمی، مرزبان، *عرفان، ادبیات و تصوف*، شهرکرد، نشر سدره المنتهی، ۱۳۸۶ ش.
- ماه‌نامه *شفافیت* (اولین نشریه تخصصی حمایت از قربانیان فرقه در ایران)، ش ۱۰، تهران،

- مؤسسه مطالعاتی روشنگر، ۱۳۸۹ ش.
- مشتاقی، مهدی، بهائیت در گذر تاریخ، قم، نشر الطیار، ۱۳۸۹ ش.
 - مظاهری سیف، حمید، «جنبش‌های معنوی نوظهور»، پایگاه اینترنتی آنتی صوفی، ۱۳۸۹ ش.
 - مؤتمن، زین العابدین، «نقدی بر تصوف»، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره چهل و هفتم، ۱۳۵۷ ش.
 - نصیری، محمد، سرچشمه‌های حدیثی عرفان و تصوف اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
 - همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر تبیان، ۱۳۷۷ ش.